



نیما کیان

ماریا صبا مقدم

به مناسبت حضور نیما کیان، رقص پرداز و بنیانگذار و مدیر سازمان باله ایران در استکهلم سوئد، در جشنواره تیرگان (www.tirgan.ca) گفتگویی با وی داشتم که خلاصه ای از آن به شرح زیر است.

سوال: چه طور شد که شما تحصیل هنر را با نقاشی و گرافیک شروع کردید؟
آقای نیما کیان: من از اول می دانستم که دل در گرو چه دارم، ولی امکانش در ایران وجود نداشت و طبیعتاً به رشته های دیگر هنری جذب شدم. یکی از قدیمیترین خاطرات کودکی من صحنه ای از یک برنامه تلویزیونی است و خواب هایی که بعد از آن می دیدم. من در سن 3 یا 4 سالگی در تلویزیون سیاه و سفید صحنه ای از فکر می کنم باله ژسیل از سازمان باله ملی ایران را دیدم. تا چند سال بعد از آن مرتب خواب می دیدم که روی صحنه دارم می رقصم و برای ورود به صحنه باید از چند پله بالا می رفتم. با بالا رفتن از این پله ها وارد دنیای دیگری می شدم که در آن پرواز و بی وزنی ممکن بود. رقصیدن برای من در عالم کودکی با پرواز یکسان بود.

سوال: هیچ وقت این علاقه را مطرح کردید؟ کسی می دانست؟
نیما کیان: به خاطر ندارم با کسی مطرح کرده باشم. ولی دور و بری ها این علاقه را می دیدند. می دیدند که تئاتر و حرکت را با همدیگر در آن دنیای کودکی خودم به نوعی ترکیب می کنم. مادرم خاطراتی از این دوره دارد. اما از باله چیزی به کسی نگفتم، چون اصلاً نمی دانستم چه بگویم، نمی شناختم. علم این جریان را نداشتم. از آن جایی که پیشینه رقص هم در خانواده نداریم، ناتوانی من در بیان این علاقه مضاعف بود.

سوال: وقتی از ایران خارج شدید، چه طور رقص را دنبال کردید؟
نیما کیان: مستقیماً. من وقتی وارد سوئد شدم در شهر کوچکی در مرکز سوئد به نام فالون مستقر شدم. بعد از چند ماه که زبان یاد گرفتم، تحقیق کردم و فهمیدم در آن شهر امکان تحصیل در رشته رقص نیست. بلافاصله اقدام کردم برای رفتن به جاهای دیگر. اول دوره پیش دوره دانشگاهی را در باله گوتنبرگ گذراندم.

سوال: مشکلی برای ورود نداشتید؟ نگفتند دیر شده؟
نیما کیان: چرا. من 20-21 سالم بود.
یک رقصنده باله دیر دیر، دیگر باید از 17-18 سالگی شروع کند. معمولاً برای فرم گرفتن بدن از 10-12 سالگی یا حتی زودتر تمرینات باله و ژیمناستیک را شروع می کنند.

من از دوجا شانس آوردم:
یکی این که خانواده های ایرانی عادت دارند چهار زانو روی زمین بنشینند و این به طور طبیعی توانایی فوق العاده ای برای ترن آوت (turn out) ایجاد می کند که کار بسیار مشکلی برای دیگران است که عادت چهار زانو نشستن را ندارند. یعنی آن چه که با سال ها تمرین برای رقصنده های باله ممکن می شود، در ما به طور طبیعی و از کودکی با چهار زانو نشستن به وجود می آید.
شانس دوم یک روح آتشین بود که هر چه به من می گفتند نمی شود، من زیر بار نرفتم. دفعه اولی که من برای دوره آمادگی در آکادمی باله امتحان دادم، در دم ردم کردند. گفتند سنت بالاست. من گفتم که می خواهم دوره شبانه ببینم و بعد از چند ماه دوباره امتحان دادم و با موفقیت وارد این دوره شدم. رئیس دانشکده، مادام لیا شوبرت، که در امتحانات آخر ترم به عنوان یکی از ممتحنین حضور داشت، تغییرات فیزیکی در پاها و بدن من را باور نمی کرد و از آن به بعد توجه خیلی بیشتری به من نشان داد و حتی ساعت ها و برنامه های تمرینات من را تغییر داد که من بتوانم روی باله کلاسیک تاکید کنم و خودش خیلی با من کار کرد.

سوال: پیروزی اراده!
نیما کیان: بله. شور و شوق و خواسته ای که از درون بر می خیزد با برخورد با مشکلات از بین نمی رود. خوشا به حال آنان که موفق به هدایت و در نهایت شکوفایی این حس قوی می شوند و تا رسیدن به نتیجه از پا نمی نشینند. خیلی ها هستند که از ایران تماس می گیرند، جوان های 27-28 ساله که گهگاه خودشان را به خاطر فراگیری رقص و فعالیت در این رشته به خارج هم می رسانند. ماهی نمی گذرد که یک دو نفر از مناطق مختلف ایران، ترکیه، مجارستان و یا سوئد ... تماس بگیرند و درخواست راهنمایی و اطلاعات نکنند. ولی متأسفانه دیر شده و معمولاً شانسی ندارند. با این که آتش درونشان گداخته است و آدم واقعاً متأسف می شود. مثل این که کسی استعداد نقاشی داشته باشد و قلم و کاغذ را از او بگیرند.

سوال: به بدنتان فشار نمی آمد؟
نیما کیان: شرح این مصیبت منتهی هفتاد من کاغذ است. مدتی اورژانس بیمارستان دائمی میزبان من بود. تاندون پاشنه پای من نزدیک به هشت بار در رفت. ترکی روی استخوان ساعد پام پیش آمد که خوب نمی شد و هفت بار عمل شد، چهار بار آن در فرانسه. البته این مختص من نیست، آسیب و صدمه جزئی از این کار است، غیر ممکن است که رقصنده ای در دوران کاری حرفه ای اش آسیب دیدگی شدید را تجربه نکرده باشد.

سوال: هیچ وقت به هنرهای تجسمی برگشتید؟
نیما کیان: بله. مرتباً از آموخته هایم در نقاشی، گرافیک و غیره در فعالیت های مربوط به رقص استفاده می کنم. چون در سازمان بر کار و چگونگی تولید نظارت دارم. طراحی لباس های رقص هم را که اکثراً خودم انجام می دهم. خوشبختانه قادرم از دانسته ها و آموخته های زمان تحصیل در ایران به بهترین وجه ممکن در رابطه با فعالیت های سازمان باله ایران بهره ببرم.

سوال: چه طور شد که به فکر طراحی سرزمین فیروزه ای افتادید؟
نیما کیان: سرزمین فیروزه ای الهام گرفته از دو اثر موسیقی زنده یاد پرویز مشکاتیان («دستان» و «بیداد») است. من از زمان های دور با شنیدن این موسیقی وجد رقص به سراغم می آمد. بیست و پنج سال بعد از شنیدنش، وقتی تحصیلاتم در رشته رقص به پایان رسید و به رقص پردازی روی آوردم، دیدم هیچ چاره ای ندارم جز این که از دانسته هایم برای مصور کردن این موسیقی استفاده کنم. وقتی تصمیم گرفتم که این آواها را به تصویر در آورم، همه گفتند غیر ممکن است. هموطنان از لحاظ صوری و ذهنی و همکاران از لحاظ عملی و تکنیکی بعید یا غیر ممکن می دانستند که روی یک قطعه تصنیف یا سنتور بشود رقص پردازی باله کرد. چون این کار هرگز قبلاً انجام نشده بود.

سوال: چرا سرزمین فیروزه ای؟ چرا شش رقصنده در رنگ های مختلف؟

نیما کیان: رنگ صلح آبی است و من اسم این اثر و نماد این سرزمین را از این گوهر آبی رنگ الهام گرفته ام. می دانید که بهترین فیروزه دنیا از خراسان می آید. به طور استعاره نام این اثر تداعی کننده آرزوی صلح در سرزمین فیروزه ای ناست. این باله لیبرتو ندارد که داستان خاصی را بیان کند، پس با روی آوردن به استعاره و سمبولیزم و به وسیله آن ها پیام خود را می رساند. سرزمین فیروزه ای از پنج رنگ به عنوان نمادهای پنج جواهر برای بیان زیبایی و عناصر فرهنگی ایران استفاده می کند. فیروزه نماد آسمان زیبای ایران است و صلحی است که تمدن ایرانی پیام آور آن است، زمرد سرسبزی و خرمی کشورمان را می رساند، الماس نماد نور و خورشید همیشه تابان است و مروارید نماد آب: خلیج همیشه فارس و دریای خزر و اما یاقوت سرخ نماد خون بی حسابی است که از مردم ما رفته. پنج رقصنده زن با پنج رنگ و یک رقصنده مرد نماد تضاد نیک و بدی در فرهنگ ایرانی تابلوهای رقصی به وجود می آورند که در طی شش صحنه یا تابلو راوی حکایتی نیستند اما به صورت سمبلیک جلوه ای از فرهنگ و تمدن ایرانی را تداعی می کنند.

سوال: برای اجرای تیرگان چه در نظر دارید؟

نیما کیان: سرزمین فیروزه ای، باله زن، سیمای جان- دختر گیلکی، و یک رقص پردازی جدید باله به روی اثری تازه خلق شده از آقای پیمان سلطانی. در باله زن به مسئله هزاره های تحمل و فشار وارد بر زنان تکیه کرده ام. در سیمای جان حرکات رقص شمالی (رشتی) را با باله ترکیب کرده ام و داستان آن راوی حکایت دختری است منتظر محبوب خود که در شالیزار کار می کند. می خواستم که مجموعه متنوع باشد که بینندگان، باله را در اشکال مختلف ببینند. کار جدیدی را هم برای اجرای تیرگان خلق کرده ام که این نمایش گشایش جهانی آن خواهد بود. این اثر ایرانیانه خانم یک رقص دو نفره زن و مرد است که در آن زن نماد ایرانیه خانم یا مام وطن است و ظلمی را که به وطن رفته بیان می کند. موسیقی این کار ارکستراسیون کلاسیک است که شامل تار و سازهای ایرانی هم می شود. به طور کلی من در طرح این برنامه برای تیرگان کار را با سرزمین فیروزه ای یا ایران شروع کردم و در پایان دوباره به همان موضوع ولی در قالب و اجرای کاملاً متفاوت برمی گردم. رقصنده های برنامه تیرگان همه بخشی از پروژه رقص جوان اروپا هستند که به گونه ای دوره پسا دانشگاهی در رقص را در سازمان باله ایران تکمیل می کنند. در تیرگان رقصنده هایی از ایتالیا، انگلیس، و اوکراین شرکت خواهند کرد.

جشنواره تیرگان در تاریخ 21 تا 24 جولای 2011 در مرکز هاربرفرانت در تورنتو برگزار خواهد شد. سازمان باله ایران به مدیریت نیما کیان دو برنامه در روزهای جمعه و شنبه 22 و 23 جولای 2011 در سالن فلک اجرا خواهد کرد. علاقمندان می توانند برای تهیه بلیت به وب سایت <http://www.tirgan.ca/ticketed-events> مراجعه و یا با تلفن 416 973 4000 داخلی 1 تماس بگیرند. نیما کیان همچنین در جلسه ای در روز یکشنبه 24 جولای در سالن بریگانین در باره رقص ایرانی سخن خواهد گفت. حضور در این جلسه رایگان و برای عموم آزاد است.